

## نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی گندمکاران (مورد مطالعه: شهرستان اسلام آباد غرب)

وکیل حیدری ساریان<sup>۱\*</sup> و سهیلا باختر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۲۰ آذر ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۴ بهمن ۱۳۹۵

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان عضو تعاونی تولید شهرستان اسلام آباد غرب انجام گردیده است که از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق ۱۱۳۷ گندمکار عضو تعاونی‌های تولید روستایی در ۱۱ روستای شهرستان اسلام آباد غرب است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۷۰ نفر برآورد شد که برای مقایسه نتایج ۱۷۰ گندمکار غیرعضو نیز در همان روستاها انتخاب گردید. روش گردآوری داده‌ها، به صورت پیمایشی و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه بوده است. جهت تنظیم پرسشنامه از پنج شاخص توانمندسازی روان‌شناختی (خودتعیینی، شایستگی، ارزشمندی، تأثیرگذاری و اعتماد) در قالب ۳۵ گویه استفاده گردید. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS، پایایی کل پرسش‌نامه تحقیق ۰/۸۴ بدست آمد. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از بین شاخص‌های پنج‌گانه توانمندسازی روان‌شناختی و با توجه به تفاوت میانگین بین دو گروه عضو و غیر عضو می‌توان گفت بین عضویت در تعاونی تولید و توانمندسازی روان‌شناختی گندمکاران رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد به گونه‌ای که میانگین اعضا ۴/۳۵ و میانگین گندمکاران غیر عضو ۳/۶۱ است. نتایج آزمون t مستقل نشان دهنده اختلاف معنی‌دار بین دو گروه است و می‌توان دریافت که تعاونی‌های تولید روستایی ابزاری کارآمد در توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان گندمکار و توسعه روستایی محسوب می‌گردد و زمینه لازم را برای ابتکار و اختیار عمل، شایستگی و رشد فکری و شخصیتی اعضا فراهم می‌نماید.

**کلمات کلیدی:** تعاونی تولید روستایی، توانمندسازی، توانمندسازی روان‌شناختی، توسعه روستایی.

۱- دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران  
۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی  
(\* نویسنده مسئول: vheidari56@gmail.com)

## مقدمه

امروزه رویکردهای جدیدی در توسعه کشاورزی مطرح است که رویکرد توانمندسازی به خاطر ارتقای ظرفیت‌های شناختی کشاورزان، کارآیی، اثربخشی و غیره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضرورت توانمندسازی کشاورزان به-عنوان نقش آفرینان توسعه جوامع محلی و به تبع آن سایر اجتماعات برای توسعه و دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی جزئی اساسی به‌شمار می‌آید. مفهوم توانمندسازی یک فرآیند از پایین به بالا و از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی و از راهبردهای مهم توسعه منطقه‌ای و روستایی محسوب می‌شود (رضوی، ۱۳۸۴). یکی از ابعاد توانمندسازی، توانمندسازی روان‌شناختی است که در پی ایجاد انگیزه درونی از طریق آماده‌سازی محیط، ایجاد بستر لازم جهت انتقال خوداثر بخشی و توانایی بیشتر است (فیلیپس و راپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). این مفهوم یکی از ابزارها و استراتژی‌های کلیدی و ضروری جهت حمایت عاطفی برای کاهش استرس، درونی‌کردن اهداف برای افزایش وفاداری و مشارکت است (دارنبوش و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). یکی از ابعاد تأثیرگذار بر این بعد از توانمندسازی در جوامع روستایی، عضویت در تعاونی‌های تولیدی مناطق روستایی می‌باشد که نقش مهمی در توسعه کشاورزی و روستایی دارند، به‌گونه‌ای که از آن‌ها به عنوان محیط پویا و فعال کشاورزی و پنجره‌هایی به سوی دنیای کشاورزی یاد شده است (زمانی و ابدی، ۱۳۸۸). لذا تعاونی‌ها از سازوکارهای کلیدی حمایت از توانمندی روانی اعضا و پایگاهی برای فعالیت مشترک آنها به شمار می‌آیند که می‌توانند درک افراد را از شغل، توانایی‌ها و تأثیرگذاری بر محیط بهبود بخشند (قیصری و همکاران، ۱۳۹۱). افزون بر این، تعاونی‌های تولید روستایی با گسترش ظرفیت‌های شناختی کشاورزان در استفاده بهینه از زمین‌های زراعی، توسعه تعلیمات عمومی و حرفه‌ای، متشکل ساختن توانایی انسانی و مادی زراعتان، افزایش مشارکت در کار و تولید، توسعه پایدار اجتماع جوامع روستایی، تقویت مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی و تقویت کارآفرینی و... به توسعه کشاورزی و روستایی شتاب بیشتری می‌بخشد (حیدری ساریان، ۱۳۸۲). همچنین با امکان دخالت دادن اعضا در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد به ارتقای همبستگی و اعتماد آنها کمک می‌کند و این فرآیند به تبلور ظرفیت‌ها و توانمندسازی (بیات، ۱۳۸۸)، افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های فردی، هدایت و راهنمایی اعتقادات، افکار و رفتار اعضای به منظور بهبود و کارایی آن‌ها کمک می‌کند (اکمیلیا و همکاران، ۲۰۱۳).

بر اساس آخرین آمار تعداد ۱۲۳۰ تعاونی تولید در کشور فعال است که ۵۸۶۸ روستا را تحت پوشش دارد. استان کرمانشاه دارای ۲۵ تعاونی تولید فعال روستایی است که در این بین شهرستان اسلام آباد غرب دارای دو تعاونی تولید روستایی است که ۱۱ روستا و سطحی حدود ۸ هزار هکتار از اراضی را تحت پوشش دارد و شامل ۱۱۳۷ نفر عضو است (حیدری ساریان و باختر، ۱۳۹۵). از جمله اهداف آن‌ها تأمین و توزیع نهاده‌های کشاورزی، حفظ نباتات و توزیع سموم شیمیایی، گسترش مکانیزاسیون، فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، بالا بردن عملکرد در واحد سطح و تولید محصولات سالم، جلوگیری از فرسایش خاک و بسیاری موارد دیگر است. نظر به اینکه بیشتر برنامه‌ها و اهداف در

1 - Phillips and rope

2 - Dorenbosch et al

نظر گرفته شده از سوی شرکت‌های تعاونی در سطح شهرستان افزایش توانمندی فنی و اقتصادی است و به رغم بحث‌های فراوان درباره توانمندسازی روان‌شناختی تا کنون بهره‌برداری از آن اندک و ناچیز بوده است؛ از این رو پژوهش حاضر، سعی دارد با نگاهی جامع به بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان گندم‌کار شهرستان اسلام‌آباد غرب بپردازد. بر این اساس سؤال تحقیق بدین صورت مطرح می‌شوند که آیا بین عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی و ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان گندم‌کار رابطه معناداری وجود دارد؟

شرکت‌های تعاونی مؤسساتی هستند که خدمات لازم را در اختیار اعضای خود قرار داده (فایرباین، ۲۰۰۱) و موجب متشکل ساختن نیروهای انسانی، سازماندهی سرمایه‌های پراکنده، افزایش درآمد اعضای و کیفیت زندگی آن‌ها و مشارکت افراد در امور خود می‌شود (کرمی و رضایی مقدم، ۱۳۸۴). تعاونی‌ها دارای انواع مختلف هستند که یکی از آنها تعاونی‌های تولید روستایی است که به عنوان سازمان‌هایی انعطاف‌پذیر می‌توانند نیازهای اعضای خود را پاسخ دهند (سازمان جهانی کار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) و توسعه آن‌ها به عنوان ابزاری مهم جهت کمک به پیشرفت جوامع روستایی و کشاورزی جهت ایجاد اشتغال و متنوع‌سازی منابع درآمدی مورد نیاز است (سازمان ملل متحد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). به عبارتی، تعاونی‌های تولید روستایی با تقویت قدرت چانه‌زنی، رشد فکری و شخصیتی، ارتقای کارایی و اثربخشی (شاه ولی و قیصاری، ۱۳۹۰؛ وتن و کمرون، ۱۹۹۸) به افزایش حس مشارکت‌جویی در امور تعاونی، ایجاد تقویت خودکفایی کشاورزان، افزایش احساس تملک اعضای تعاونی‌های تولیدی نسبت به کار خود و بهبود عمل‌کرد منجر می‌گردد (بیجمن، ۲۰۰۵؛ دنیا و همکاران، ۲۰۱۱). از سوی دیگر با ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی، تغییر در الگوهای رفتاری، توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی، ریسک‌پذیری، توسعه تعلیمات عمومی و حرفه‌ای، افزایش مثبت‌اندیشی و قطعیت در کار و افزایش توانایی تصمیم‌گیری و مهارت برقراری روابط انسانی به توسعه کشاورزی و روستایی شتاب بیشتری می‌بخشد که به دنبال آن به دلیل بالا رفتن ظرفیت‌های شناختی (آگاهی و دانش) و بهبود توانمندسازی روان‌شناختی، روستاییان بهتر می‌توانند در تعیین سرنوشت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود مشارکت کنند (بیات، ۱۳۸۸؛ فایرباین، ۲۰۰۱).

کانگر و کانگو<sup>۳</sup> (۲۰۰۷)، توانمندسازی را فرآیند شایستگی افراد از طریق شناسایی شرایطی که باعث احساس بی‌قدرتی در آن‌ها شده و در جهت رفع آن‌ها با کمک اقدامات رسمی تلاش می‌کنند (ابتین و همکاران، ۱۳۹۰). ریفکینگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) توانمندسازی را فرآیندی می‌داند که افراد و گروه‌ها این توانایی را پیدا می‌کنند و بر کارها و امور خود تسلط بیشتری پیدا کنند. آنتونیو و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) عواملی نظیر ارتباط با دیگران، دسترسی به اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و رضایت شغلی، گسترش تشکلهای خودجوش در جوامع محلی و طرز فکر خلاق و نوآور را از

1 - ILO

2 - United Nations

3 - Conger and Kanungo

4 - Rifking

5 - Antonio et al

عوامل اساسی توانمندسازی می‌دانند. واکاوی اسناد و مدارک نشان می‌دهد توانمندسازی دارای سه رویکرد ارتباطی، انگیزشی و روان‌شناختی است. رویکرد ارتباطی عبارت است از تفویض اختیار و فرآیندی است که از طریق آن رهبری سعی در تقسیم قدرت بین خود و زیردستانش را دارد (جهانیان، ۱۳۸۷؛ حیدری ساریان، ۱۳۸۸). رویکرد انگیزشی: این رویکرد ریشه در تمایلات انگیزشی افراد دارد و شامل راهبردی است که به افزایش حق تعیین خودتصمیم‌گیری و خودکارآمدی مردم منجر می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۷). رویکرد روان‌شناختی نیز مجموعه شناخت‌های انگیزشی است که توسط محیط کاری شکل گرفته و نقش آن را در گرایش‌های فعال فرد و کار او منعکس می‌کند علاوه بر این، به باور وانگ و لی<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) توانمندسازی روان‌شناختی نشان‌دهنده یک ارزیابی خاص و تفسیری کلی و تعیین‌کننده از انگیزش و وظیفه درونی است و در برگیرنده بالا بردن دقت بسیار و روشن نمودن فرآیندها و پویایی و واکنش‌ها و بازتاب‌هاست، بنابراین با توجه به آنچه ذکر گردید می‌توان گفت که توانمندسازی روان‌شناختی دارای پنج بعد است که عبارتند از:

- ۱ - احساس خودتعیینی<sup>۲</sup>: آزادی افراد در مورد چگونگی انجام کارهای خود (اسپریتزر، ۱۹۹۵).
- ۲ - شایستگی<sup>۳</sup>: درجه‌ای که فرد می‌تواند وظایف شغلی‌اش را با مهارت و موفقیت انجام دهد (اسپریتزر، ۱۹۹۵).
- ۳ - تأثیرگذاری<sup>۴</sup>: به افراد اجازه داده می‌شود تا تأثیر واقعی بر محیط اطرافشان داشته باشند (وتن و کامرون، ۱۹۹۸).
- ۴ - ارزشمندی<sup>۵</sup>: به دنبال موقعیتی است که افراد احساس می‌کنند اهداف شغلی مهم و با ارزشی را دنبال می‌کنند (میشرا و اسپریتزر، ۱۹۹۷).
- ۵ - اعتماد<sup>۶</sup>: اعتماد به شایستگی، علاقه‌مندی، گشودگی و اطمینان به دیگران مربوط می‌شود (میشرا و اسپریتزر، ۱۹۹۷).

در رابطه با تعاونی‌های تولید و ارتباط آن با توانمندسازی کشاورزان تحقیقات متعددی توسط پژوهشگران صورت گرفته است، از جمله شاه‌ولی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با هدف تعیین توانمندی روان‌شناختی کشاورزان عضو تعاونی تولید دریافتند کشاورزان عضو تعاونی تولید توانمندی روانی مناسبی دارند که با افزایش روحیه استقلال، عزت نفس، اعتماد به دیگران و شایستگی‌های خود، توانمندی روانی آنها ارتقاء می‌یابد. همچنین آق‌اوردی (۱۳۹۲)، در مطالعات خود با عنوان «نقش توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان در تعالی سازمانی» نشان داد که از میان ابعاد توانمندسازی روان‌شناختی، مؤلفه‌های خودتعیینی و معنادار بودن شغل بر عضویت در گروه‌های سازمانی و تعالی

1 - wang and lee

2 -self determination

3 -competency

4 -impact

5 -valuable

6 -trust

سازمانی موثر بوده است. پاریاب و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس» دریافتند که تعاونی روستایی زنان همایجان تأثیر اندکی در توانمندی زنان عضو، در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی و روانی داشته است. نتایج مطالعات کلان‌درمنس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، نشان می‌دهد که کشاورزان عضو تعاونی‌ها دارای حس وحدت و همدلی و مسئولیت‌پذیری بیشتری هستند و از طریق تلاش‌های جمعی، بهتر به اهداف خود می‌رسند. در مطالعه دیگر که توسط اسپالاردو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، صورت گرفت این نتیجه حاصل گردید که متغیرهای نگرش مثبت، رضایت‌مندی، دسترسی به اطلاعات مناسب و داشتن روابط مناسب با دیگر اعضای تعاونی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌ها مؤثر است. ژاینوگو<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، در مطالعات میدانی خود با هدف بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در امنیت غذایی چین دریافت که تعاونی‌های تولید روستایی بواسطه ارتقای اعتماد، شایستگی و معنی‌داری عملکرد بالایی در کنترل و حفظ امنیت غذایی داشته است و باعث بالا بردن درآمد کشاورزان و ترویج قدرت و رقابت در بازار شده است. اولیو و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۵)، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که با عضویت کشاورزان در تعاونی‌ها زمینه اثرگذاری، ارتقای خود اثربخشی و افزایش تعاملات اجتماعی از طریق مکانیسم توانمندسازی روان‌شناختی فراهم می‌شود. ریچاردسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، به این باور رسید که توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان زمینه‌بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی، دسترسی به تسهیلات اعتباری و شناسایی زنجیره‌های تولید را فراهم می‌سازد. سولوینگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) دریافت که بین تشکیل تعاونی‌های تولیدی با افزایش مهارت‌های مدیریتی، اعتماد، داشتن انگیزه کافی در فعالیت‌های کشاورزی و افزایش عزت نفس روستاییان رابطه معنادار وجود دارد. نهایت اینکه، دانی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که عضویت در تعاونی‌ها و نهادهای مردم‌نهاد در نواحی روستایی مشارکت کشاورزان را در فعالیت‌های توسعه‌ای، ابتکار، خلاقیت و نوآوری، توانایی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری کشاورزان را بالا می‌برد.

با توجه به آنچه ذکر گردید می‌توان بیان کرد تعاونی‌های تولید روستایی زمینه لازم را برای رشد فکری و شخصیتی (کاوی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰: ۲۲۷)، احساس خودسودمندی و حس سلطه شخصی و ایجاد انگیزه‌های مشترک در راستای تقویت نیروهای پیش‌برنده و غلبه بر مشکلات را برای اعضا فراهم می‌کنند و با برداشتن موانع رشد، ترغیب تعهد به اهداف، ترغیب ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری و قادر ساختن اعضا در حل مشکلات و از بین بردن ترس بتوانند کارهایشان را با انگیزه درونی و موفقیت انجام دهند (ایلون و بامبرگر، ۲۰۰۷). به باور داویس<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) با عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید روستایی زمینه ابتکار عمل، انگیزش درونی و خودمختاری در مناطق روستایی بروز و ظهور پیدا می‌کند. هارپر<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) نیز معتقد است تعاونی‌ها با تقویت تفاهم جمعی، خلاقیت و شایستگی سبب ارتقای

1 - klandermans et al

2 - Espallardo et al

3 - XiangyuGuo

4 - Avolio

5 - Solving

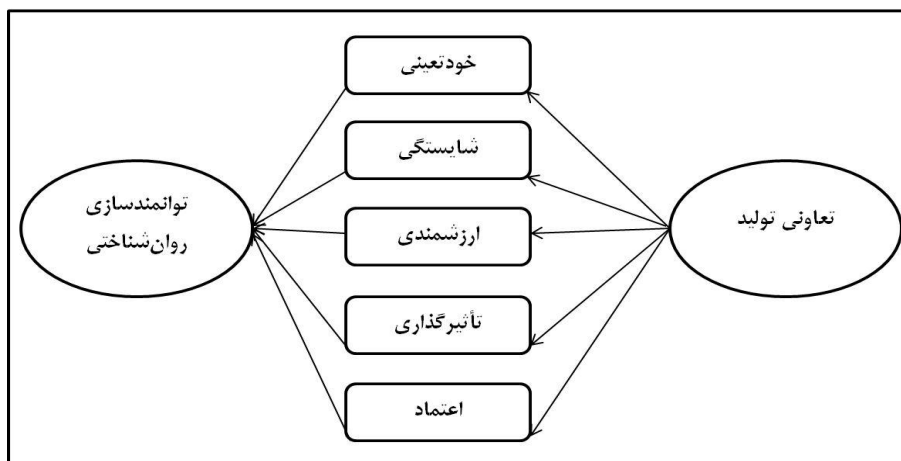
6 - Dania et al

7 - Cowie

8 - Davis

9 - Harper

توانمندسازی روان‌شناختی می‌شود. از منظر هاسگاوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، تعاونی‌های تولید روستایی، ابزاری برای ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی به دلیل تقویت بعد خودتعیینی، شایستگی، تاثیر، معنی‌داری و اعتماد است. در نهایت با توجه به چهارچوب نظری ارائه شده و مرور ادبیات پژوهش، بر مبنای مطالعات شاهولی و همکاران (۱۳۹۱)، هاسگاوا (۲۰۰۱)، اولیو و همکاران (۲۰۰۵) که به بررسی ارتباط بین تعاونی تولید و توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان پرداختند، اقدام به ترسیم چارچوب مفهومی پژوهش گردید (شکل ۱).



شکل ۱- چارچوب نظری پژوهش، منبع: یافته‌های پژوهش

## مواد و روش‌ها

شهرستان اسلام آباد غرب دومین شهرستان استان کرمانشاه است که وسعتی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و در طول جغرافیایی ۴۶ درجه و ۲۱ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۶ دقیقه قرار دارد. دارای ۲ بخش، ۷ دهستان و ۱۷۳ روستا است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهرستان ۱۵۱۴۷۳ نفر بود که از این تعداد ۹۶۰۶۱ نفر در شهرها و ۵۵۴۱۲ نفر در روستا سکونت داشتند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان گندمکار شهرستان اسلام آباد غرب انجام شده است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی به روش مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش ۱۱۳۷ کشاورز گندمکار عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان گندمکار غیر عضو در ۱۱ روستای شهرستان اسلام‌آباد غرب می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۷۰ نفر برآورد گردید که به نسبت یک به یک ۱۷۰ گندمکار غیر عضو نیز برای مقایسه نتایج انتخاب

گردید. جهت توزیع حجم نمونه مورد مطالعه در ۱۱ روستای تحت پوشش تعاونی تولید، پس از تعیین میزان جمعیت هر روستا و تعداد اعضای تعاونی تولید آن به روش تصادفی سیستماتیک اقدام به توزیع حجم نمونه گردید (جدول ۱).

جدول ۱ - جمعیت روستاها و اعضای تحت پوشش تعاونی تولید

روستا	باقرآباد سفلی	باقرآباد علیا	سراب شیان	فرخ خانی	زیل خانی	مومه-ای	چقاگل	بورگ	پیرگه	برف‌آباد علیا	برف‌آباد سفلی
جمعیت	۶۶۰	۵۹۶	۱۸۸	۱۹۷	۱۶۰	۱۳۲۱	۴۸۰	۳۷۰	۲۱۹	۱۶۷۱	۹۳
سهام‌داران عضو تعاونی تولید	۱۳۶	۱۸۹	۸۲	۴۰	۴۸	۲۲۱	۱۱۸	۸۷	۸۲	۸۴	۵۰
حجم نمونه در بین کشاورزان عضو	۲۰	۲۸	۱۲	۶	۷	۳۲	۱۸	۱۳	۱۲	۱۳	۹
حجم نمونه در بین کشاورزان غیرعضو	۲۰	۲۸	۱۲	۶	۷	۳۲	۱۸	۱۳	۱۲	۱۳	۹

منبع: اداره تعاون شهرستان اسلام‌آباد غرب و محاسبات نگارنده گان، ۱۳۹۳

با توجه به هدف تحقیق انتخاب چارچوب شاخص‌های مبنایی از اهمیت زیادی برخوردار است. انتخاب شاخص‌ها و گویه‌های مورد نظر در این پژوهش مطابق با یافته‌های پژوهشی سایر محققین در قالب پنج شاخص خودتعیینی، شایستگی، معنی‌داری، تأثیرگذاری و اعتماد در قالب ۳۵ گویه بهره گرفته شد (جدول ۲).

جدول ۲ - شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

متغیر	شاخص	گویه
خودتعیینی	خودتعیینی	۱- آزادی عمل برای تصمیم‌گیری ۲- احساس استقلال برای انجام فعالیت‌ها ۳- ابتکار عمل برای انجام فعالیت‌ها ۴- اختیار عمل ۵- هدایتگر بودن ۶- استفاده از دانش بومی ۷- پذیرش ایده‌ها و روش‌های نوین
		۱- خلاقیت برای ایده‌های جدید ۲- ریسک‌پذیری ۳- اطمینان به توانایی‌ها و شایستگی‌ها ۴- اراده و پشتکار برای انجام فعالیت‌ها ۵- خود اتکایی ۶- کسب مهارت و قابلیت ۷- مصمم در انجام کار
معنی‌داری	معنی‌داری	۱- با اهمیت بودن کار ۲- مسئولیت‌پذیری در انجام وظایف ۳- آگاهی از انجام فعالیت‌ها ۴- تمایل به یادگیری فنون نوین ۵- معنی‌دار بودن فعالیت‌ها ۶- داوطلبانه انجام دادن کارها ۷- داشتن برنامه مشخص ۸- درک ارزش‌ها
		۱- اثربخشی به فعالیت‌ها ۲- ابتکار شغلی ۳- توانایی تأثیر بر استراتژی‌ها ۴- پذیرش رهبری ۵- با اهمیت بودن نظرات ۶- کنترل بر آنچه اتفاق می‌افتد ۷- بیان نظرات مالی خود
تأثیرگذاری	تأثیرگذاری	۱- پذیرش اجتماعی ۲- داشتن نگرش مثبت ۳- اعتماد به سایر مردم ۴- اعتماد به مسئولین تعاونی ۵- اعتماد به مراکز خدمات رسانی ۶- صداقت
		۱- اثربخشی به فعالیت‌ها ۲- ابتکار شغلی ۳- توانایی تأثیر بر استراتژی‌ها ۴- پذیرش رهبری ۵- با اهمیت بودن نظرات ۶- کنترل بر آنچه اتفاق می‌افتد ۷- بیان نظرات مالی خود

منبع: نگارندگان بر اساس منابع مختلف

جمع‌آوری داده‌های پژوهش به وسیله ابزار پرسشنامه انجام گرفت. پرسشنامه بر مبنای شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. به منظور بررسی و تأیید روایی صوری پرسشنامه از نظرات اساتید دانشگاه محقق اردبیلی بهره گرفته شد که پس از بررسی‌ها و تغییرات لازم روایی آن مورد تأیید قرار

گرفت. جهت تعیین پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون در منطقه توزیع گردید و سپس بر اساس آلفای کرونباخ پایایی آن محاسبه گردید. نتایج آن همانگونه که در جدول ۳ ارائه گردیده بیانگر این است که پرسشنامه مذکور از پایایی مطلوبی برخوردار است و توان سنجش متغیرهای پژوهش را داراست. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین گندمکاران عضو و غیر عضو استفاده گردید.

جدول ۳- ضریب پایایی شاخص‌های تحقیق

شاخص	خودتعیینی	شایستگی	معنی‌داری (احساس ارزشمندی)	تأثیرگذاری	اعتماد	پایایی کل
میزان پایایی	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۹۱	۰/۸۸	۰/۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

## نتایج و بحث

### آمار توصیفی

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد از کل حجم نمونه مورد بررسی در بین کشاورزان عضو ۱۵۵ نفر (۹۱/۲٪) را مردان و ۱۵ نفر (۸/۸٪) را زنان تشکیل می‌دادند، در بین کشاورزان غیرعضو ۱۴۶ نفر معادل ۸۵/۹٪ را مردان و ۲۴ نفر (۱۴/۱٪) را زنان تشکیل می‌دادند، هم‌چنین بیش‌ترین فراوانی تحصیلات پاسخ‌گویان عضو مربوط به مقطع متوسطه با ۳۰/۶٪ و در بین کشاورزان غیر عضو نیز همین مقطع با ۲۹/۴٪ بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. علاوه بر این بیش‌ترین فراوانی سنی در بین کشاورزان عضو و غیر عضو گروه بالای ۴۶ سال با ۳۵/۹٪ در بین کشاورزان عضو و ۴۱/۸٪ در بین کشاورزان غیر عضو بود. افزون بر این بیشترین سابقه فعالیت کشاورزی در بین اعضا بالای ۲۰ سال با ۵۵/۹٪ و کشاورزان غیرعضو نیز در همین رده سابقه با مقدار ۵۱/۸٪ قرار داشت.

جدول ۴- یافته‌های توصیفی حجم نمونه مورد مطالعه

خصوصیات	جنسیت		تحصیلات				گروه‌های سنی				سابقه فعالیت کشاورزی			
	مرد	زن	بی‌سواد	ابتدایی	متوسطه	دانشگاهی	۱۵ تا	۲۶ تا	۳۶ تا	۴۶ سال به بالا	بین ۱۰ تا ۱۶ سال	بین ۱۷ تا ۲۰ سال		
کشاورزان	۱۵۵	۱۵	۳۶	۴۶	۵۲	۲۶	۱۶	۳۴	۵۹	۶۱	۱۷	۲۴	۳۴	۹۵
عضو	۹۱/۲	۸/۸	۲۱/۲	۲۷/۱	۳۰/۶	۲۱/۲	۹/۴	۲۰	۳۴/۷	۳۵/۹	۱۰	۱۴/۱	۲۰	۵۵/۹
کشاورزان غیرعضو	۱۴۶	۲۴	۴۴	۴۴	۵۰	۲۲	۲۸	۲۶	۳۵	۷۱	۴۲	۲۰	۸۸	
درصد	۸۵/۹	۱۴/۱	۲۵/۹	۲۵/۹	۲۹/۴	۱۸/۸	۱۶/۵	۲۱/۲	۲۰/۶	۴۱/۸	۲۴/۷	۱۱/۸	۱۱/۸	۵۱/۸

منبع: نگارندگان بر اساس یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی پژوهش (جدول ۵) که بر اساس میانگین گویه‌های در نظر گرفته شده برای هر



متغیر تنظیم شده است نشان می‌دهد که در رابطه با شاخص خودتعیینی<sup>۱</sup> کمترین تعداد کشاورزان عضو در سطح خیلی کم با ۱۶/۳۰ درصد و بیشتر تعداد آن‌ها در سطح خیلی زیاد با ۲۹/۰۵ درصد قرار داشتند. در مقابل وضعیت خودتعیینی در بین کشاورزان غیر عضو کمترین میزان آن مربوط به گزینه خیلی کم با ۱۵/۲۰ درصد و بیشترین میزان مربوط به گزینه متوسط ۲۶/۱۵ درصد برآورد گردید. در رابطه با شاخص شایستگی در بین کشاورزان عضو بیشترین میزان مربوط به گزینه خیلی زیاد با ۲۹/۱۵ درصد و کمترین میزان مربوط به گزینه خیلی کم با ۸/۳۵ درصد ارزیابی گردید. این شاخص در بین کشاورزان غیر عضو کمترین مقدار آن در سطح خیلی زیاد با ۱۶/۱۰ درصد و بیشترین مقدار آن در سطح کم با ۲۳/۱۵ درصد برآورد گردید. بیشترین مقدار شاخص ارزشمندی در بین کشاورزان عضو با ۲۸/۳۰ درصد در سطح متوسط و کمترین میزان آن در سطح کم با ۱۱/۲۰ درصد برآورد گردید. در بین کشاورزان غیر عضو نیز ۱۱/۶۰ درصد در سطح خیلی زیاد و ۲۹/۱۰ درصد در سطح کم قرار داشتند. بیشترین مقدار شاخص تأثیرگذاری در بین کشاورزان عضو با ۲۷/۱۵ درصد در سطح متوسط و ۱۲/۱۵ درصد در سطح خیلی کم برآورد گردید. همچنین این شاخص در بین کشاورزان غیر عضو با ۱۶/۶۵ درصد در سطح خیلی زیاد و کمترین میزان با ۱۸/۲۵ درصد در سطح متوسط و زیاد قرار داشت. شاخص اعتماد در بین کشاورزان عضو بیشترین پاسخگویان در سطح خیلی زیاد با ۲۴/۴۵ درصد قرار داشتند و کمترین آنها در سطح خیلی کم با ۱۶/۳۵ درصد قرار داشتند.

جدول ۵- درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار کشاورزان عضو غیر عضو

متغیر	وضعیت پاسخ‌گویان	درصد پاسخ‌گویان					انحراف معیار
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
خودتعیینی	کشاورزان عضو	۱۶/۳۰	۱۲/۲۵	۱۹/۱۵	۲۲/۲۵	۲۹/۰۵	۰/۶۶
	کشاورزان غیر عضو	۱۵/۲۰	۲۲/۲۵	۲۶/۱۵	۱۹/۲۵	۱۷/۱۵	۱/۱۶
شایستگی	کشاورزان عضو	۸/۳۵	۱۹/۰۵	۱۸/۲۵	۲۵/۲۰	۲۹/۱۵	-۰/۸۱
	کشاورزان غیر عضو	۱۹/۲۵	۲۳/۱۵	۲۲/۱۵	۱۹/۳۵	۱۶/۱۰	۱/۹۲
ارزشمندی	کشاورزان عضو	۱۵/۱۰	۱۱/۲۰	۲۸/۳۰	۲۳/۱۰	۲۲/۳۰	۱/۸۵
	کشاورزان غیر عضو	۱۶/۸۰	۲۹/۱۰	۲۵/۳۰	۱۷/۲۰	۱۱/۶۰	۱/۰۶
تأثیرگذاری	کشاورزان عضو	۱۲/۱۵	۱۷/۲۰	۲۷/۱۵	۲۰/۳۵	۲۳/۱۵	-۰/۹۵
	کشاورزان غیر عضو	۱۹/۷۰	۲۷/۱۵	۱۸/۲۵	۱۸/۲۵	۱۶/۶۵	۱/۷۱
اعتماد	کشاورزان عضو	۱۶/۳۵	۱۹/۳۵	۱۷/۳۵	۲۲/۵۰	۲۴/۴۵	۲/۴۸
	کشاورزان غیر عضو	۱۷/۲۵	۲۱/۴۰	۱۹/۴۵	۱۹/۳۵	۲۲/۵۵	۱/۷۸
	کشاورزان عضو ۱۷۰					۴/۰۹	۱/۳۵
	کشاورزان غیر عضو ۱۷۰			میانگین و انحراف معیار کل		۳/۳۱	۱/۵۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

این شاخص در بین کشاورزان غیر عضو کمترین میزان آن با ۱۷/۲۵ درصد در سطح خیلی کم و بیشترین میزان آن با ۲۲/۵۵ درصد در سطح خیلی زیاد قرار داشت. همانگونه که پیداست کشاورزان عضو در ابعاد پنج‌گانه

توانمندسازی روان‌شناختی دارای میانگین بالاتری نسبت به کشاورزان غیرعضو بودند که در این بین شاخص‌های تأثیرگذاری و احساس ارزشمندی دارای بیشترین میانگین بودند.

### آمار استنباطی

بنابر اهداف در نظر گرفته شده در پژوهش به منظور بررسی ارتباط تعاونی تولید و توانمندسازی اعضا و تفاوت آن با گندمکاران غیر عضو از آزمون t مستقل استفاده گردید که کاربرد آن برای بررسی اختلاف میانگین دو جامعه است. بنابر نتایج این آزمون همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد می‌توان دریافت که با توجه به میانگین‌های بدست آمده از دو گروه مورد مطالعه اعضای تعاونی تولید از لحاظ شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی دارای میانگین بالاتری بودند.

در بعد خودتعیینی گندمکاران عضو دارای میانگین ۴/۶۸ و گندمکاران غیرعضو ۴/۱۲، در بعد شایستگی گندمکاران عضو ۴/۲۵ و غیر عضو ۳/۴۴ و در بعد ارزشمندی میانگین گندمکاران عضو ۳/۹۶ و غیر عضو دارای ۳/۲۱ برآورد گردید. میانگین شاخص تأثیرگذاری نیز در بین گندمکاران عضو و غیرعضو به ترتیب برابر ۴/۵۷ و ۳/۶۷ و میانگین شاخص اعتماد نیز در بین اعضا ۴/۲۹ و در بین گندمکاران غیر عضو ۲/۴۸ بدست آمد. با توجه به میانگین‌های بدست آمده از دو گروه می‌توان بیان کرد در تمامی شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی گندمکاران عضو تعاونی تولید دارای میانگین بالاتری نسبت به گندمکاران غیر عضو بودند. همچنین با توجه به مقدار t به دست آمده برای تمام شاخص‌ها که بالاتر از حد بحرانی (۱/۹۶) است و از سوی دیگر با توجه به اینکه سطح معنی‌داری تمام شاخص sig=۰/۰۰۰ بود می‌توان دریافت که بین گندمکاران عضو تعاونی تولید و گندمکاران غیرعضو اختلاف معنی‌دار است و بین عضویت در تعاونی تولید و توانمندسازی روان‌شناختی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۶- نتایج بدست آمده از آزمون t مستقل

شاخص	گندمکاران عضو تعاونی تولید		گندمکاران غیر عضو		مقدار t	Sig
	میانگین	SD	میانگین	SD		
خودتعیینی	۴/۶۸	۱/۷۵	۴/۱۲	۲/۲۸	۳/۷۱	۰/۰۰۰
شایستگی	۴/۲۵	۱/۹۳	۳/۴۴	۲/۵۶	۳/۲۳	۰/۰۰۰
ارزشمندی	۳/۹۶	۲/۸۵	۳/۲۱	۱/۹۸	۲/۶۵	۰/۰۰۰
تأثیرگذاری	۴/۵۷	۱/۲۳	۳/۶۷	۲/۵۹	۳/۵۲	۰/۰۰۰
اعتماد	۴/۲۹	۲/۰۱	۳/۶۴	۲/۴۸	۳/۴۸	۰/۰۰۰
کل	۴/۳۵	۱/۹۵	۳/۶۱	۲/۳۷	۳/۳۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

### نتیجه‌گیری

رویکرد تعاونی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مشارکت مردمی برای توانمندسازی است که به عنوان ابزاری سودمند برای ارتقاء کیفیت و افزایش اثربخشی تلقی می‌گردد که بررسی جایگاه تعاونی‌های تولید در مقایسه با سایر

نظام‌ها در کشور با توجه به وضعیت آنها از نگاه آماری و اعضا می‌تواند نقش مؤثری در توسعه و تقویت توانمندی اعضا در ابعاد مختلف داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندی اعضا در ۱۱ روستایی شهرستان اسلام آباد غرب انجام گرفت. جهت انجام این تحقیق از پنج شاخص توانمندسازی روانی (خودتعیینی، شایستگی، ارزشمندی، تأثیرگذاری و اعتماد) در قالب ۳۵ گویه بهره گرفته شده‌است.

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر این موضوع است که بیشترین اعضای تعاونی تولید را مردان به خود اختصاص داده‌اند که بیشتر از ۵۰ درصد آنها دارای سابقه فعالیت کشاورزی بیشتر از ۲۰ سال بوده‌اند. تحلیل‌های آماری بیانگر این امر است بین تعاونی‌های تولید و تقویت توانمندسازی روان‌شناختی گندمکاران عضو تعاونی تولید شهرستان اسلام آباد غرب ارتباط معنی‌دار وجود دارد، به گونه‌ای بر اساس  $t$  مستقل و اختلاف میانگین بدست آمده از دو گروه، در تمامی ابعاد توانمندسازی روان‌شناختی، کشاورزان عضو دارای میانگین بهتری نسبت به کشاورزان غیرعضو بوده‌اند؛ در تمام مؤلفه‌های خودتعیینی، شایستگی، ارزشمندی، تأثیرگذاری و اعتماد کشاورزان عضو دارای میانگین بالاتری نسبت به کشاورزان غیر عضو بوده‌اند. در بین کشاورزان عضو شاخص خودتعیینی با میانگین  $4/68$  دارای میانگین بالاتری بوده است و بیشترین ارتباط را عضویت در تعاونی تولید داشته است. از جمله عواملی که بر شاخص خودتعیینی گندمکاران تأثیر مثبت داشته‌است می‌توان به آزادی عمل برای تصمیم‌گیری، هدایتگر بودن، استفاده از دانش بومی، پذیرش ایده‌ها و روش‌های نوین را ذکر کرد و این می‌تواند گویای موفقیت تعاونی‌های تولید در احساس استقلال در انجام دادن فعالیت‌ها، ابتکار و اختیار عمل باشد، که منجر به آزاد کردن نیروی درونی کشاورزان و همچنین فراهم‌سازی بسترها و بوجود آمدن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها و شایستگی‌های آنان گردد. در این راستا می‌توان پیشنهاد داد که با واگذاری و دادن بخش بیشتری از تصمیم‌گیری‌ها و اختیار عمل به کشاورزان میزان استقلال آنها را افزایش داد. بر اساس نتایج آزمون، دومین شاخص که دارای بیشترین ارتباط با تعاونی تولید بود شاخص تأثیرگذاری است. این شاخص نیز در گندمکاران عضو دارای میانگین بالاتری نسبت به گندمکاران غیر عضو بوده‌است که عواملی مانند پذیرش رهبری، با اهمیت بودن نظرات، کنترل بر وقایع، اثربخشی فعالیت‌ها و توانایی تأثیر بر استراتژی‌ها باعث تقویت این شاخص در بین گندمکاران عضو گردیده است.

توانمندسازی روانی کشاورزان یکی از ابعاد مهم تعاونی‌های تولید است که سایر ابعاد زندگی اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا کشاورزانی که از لحاظ روانی در سلامت باشند از زندگی رضایت خاطر بیشتری خواهند داشت، بنابراین افزایش توانمندی روانی اعضای تعاونی تولید از نقاط قوت آن برای کاربرد موفقیت آمیز در راستای اهداف کلان توسعه محسوب می‌شود که به گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های افراد به منظور مشارکت، چانه‌زنی و تأثیرگذاری تأکید دارد. همچنین با دخالت دادن اعضا در تصمیم‌گیری به ارتقای همبستگی و اعتماد آنها کمک می‌کند و به افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های فردی، هدایت و راهنمایی اعتقادات، افکار و رفتار اعضا به منظور بهبود و کارایی کمک می‌کند. از سوی دیگر با ایجاد برنامه مشخص برای پاسخ‌گویی مسئولان تعاونی و ارائه مشاوره و برگزاری جلسات از سوی تعاونی‌ها به توسعه ارتباطات و اعتماد کشاورزان به یکدیگر کمک نمود. نتایج حاصل بیانگر این موضوع است که نقش تعاونی‌های تولید در توانمندسازی روان‌شناختی قابل چشم‌پوشی نیست و ایجاد اعتماد و انگیزه بین اعضا باعث جلب مشارکت و همکاری بین آنها می‌گردد، به گونه‌ای که افراد توانمندشده نه تنها احساس

شایستگی، تأثیرگذاری و هدفمندبودن دارند بلکه می‌توانند خود را در جمع و در کارهای گروهی که با تکیه بر قدرت فکری و باور به اینکه می‌توانند مؤثر واقع شوند، مطرح کنند. این احساس اطمینان منجر به این امر می‌گردد که اعضا امور را با کیفیت بهتری انجام دهند و موجبات افزایش بهره‌وری را فراهم نمایند. هر چه این احساس در گروه‌های تعاونی بیشتر باشد زمینه حضور فعال گروه‌های مختلف مردم در این شرکت‌ها بیشتر خواهد شد. چرا که همگی به موفقیت و کامیابی یکدیگر اعتقاد دارند و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های آنها برای همدیگر مهم تلقی می‌گردد. لذا توانمندسازی از عوامل اصلی و مهم در پیشبرد اهداف تعاونی‌های تولید تلقی می‌گردد نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های قیصری و همکاران (۱۳۹۱)، هاسگاوا (۲۰۰۱) و اولیو و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد.

## منابع

- آبتین، ع.ا.، یاراحمدی زهی، م.ح. و توماج، ی. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر توانمندی منابع انسانی کسب و کارهای کوچک و متوسط، ماهنامه کار و جامعه، ۱۴۰: ۴۴-۵۸.
- آقاوردی، ب. ۱۳۹۲. نقش توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان در تعالی سازمانی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱: ۱۸۷-۱۰۶.
- بیات، ا. ۱۳۸۸. تعاونی‌ها و اقتصاد اجتماعی، فصلنامه تعاون، ۲۰ (۲۰۶ و ۲۰۷): ۱۳۴-۱۶۷.
- پاریاب، ج. زمانی میاندشتی، ن.، پزشکی‌راد، غ. ر. و جمالی. ۱۳۹۳. نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس، مطالعه موردی: تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱۵ (۱): ۴۵-۷۰.
- جهانیان، ر. ۱۳۸۷. رویکردها، ابعاد و چارچوب توانمندسازی مدیران آموزشی، ماهنامه پیام مدیریت، ۲۷ ۱۵۴-۱۳۱.
- حیدری ساربان، و. ۱۳۸۲. نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- حیدری ساربان، و. ۱۳۸۸. نقش دانش توانمندسازی کارکنان جهاد کشاورزی و کشاورزان در توسعه روستایی، مطالعه موردی: استان اردبیل، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- حیدری ساربان، و. و باختر، س. ۱۳۹۵. بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندمکار شهرستان اسلام آباد غرب، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۰ (۲): ۹۷-۱۱۳.
- رضوی، م. ک. ۱۳۸۴. کاربرد روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت گامی در جهت ظرفیت‌سازی سازمانی و توانمندسازی جوامع محلی، چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، ۲ (۴): ۲۵-۳۸.

زمانی، غ. ح. و ابدی، ب. ۱۳۸۸. عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت کشاورزان در تأسیس تعاونی‌های آبخیزداری در استان فارس، فصلنامه تعاون، ۲۰ (۲۱۰ و ۲۱۱): ۱۱۷-۱۳۴.

شاهولی، م. و قیصری، ح. ۱۳۹۰. تعیین توانمندی زیست محیطی کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و عوامل مؤثر بر آن در استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۴ (۲): ۵۱-۳۱.

قیصری، ح.، شاهولی، م. و رضایی مقدم، ک. ۱۳۹۱. بررسی توانمندی روان‌شناختی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی استان فارس، پژوهش‌های روستایی، ۳ (۲): ۱-۲۰.

کریمی، ع. ا. و رضایی مقدم، ک. ۱۳۸۴. آثار تعاونی‌های تولید کشاورزی در فرآیند تولید، ویژه‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۱: ۳۱-۴۵.

Akmaliah, L., bagheri, A. and Abdullah sani, H. 2013. Knowledge of cognition and entrepreneurial intentions: implications for learning entrepreneurship in public and private universities. *Social and Behavioral Sciences*, 97: 174- 181.

Alsop, R. and heinsohn, N. 2005. Measuring empowerment in practice: structuring analysis and framing indicators. word bank policy research working. *Coooperative Journal*, 2 (8): 124-150.

Antonio, T., lanawati, S., Wiriana, T.A. and Christina, L. 2014. Correlations creativity, intelligence, personality, and entrepreneurship achievement, The 5th Indonesia International Conference on Innovation, *Entrepreneurship, and Small Business*, 1 (15): 251-257.

Avolio, B.J., Koh, W. and Bhatia, P. 2005. Transformational leadership and organizational commitment: mediating role if psychological empowerment and moderating role of structural distance. *Journal of Organizational Behaviour*, 2(5): 951-962.

Bijman, J. 2005. Cooperatives and heterogeneous membership: eight propositions for improving organizational efficiency. Paper presented at the emnet conference Budapest, Hungary, Wageningen University, September 15-17.

Cowie, H. 2000. Cooperatives group work: A perspective from the Uk. Department of psychology and counseling, Roe Hampton Institute London, *West Hill*, 123(3): 227- 280.

Dania, G., Borghei, R. and Matin, H. 2011. Farmer empowerment: experience, lessons learned and ways forward. Danish Institute of International studies. [On line] Available on:[http://www.neuchatelinitiative.net/English/farmer Empowerment-experience lessons learned ways ofs. Doc](http://www.neuchatelinitiative.net/English/farmer_Empowerment-experience_lessons_learned_ways_ofs.Doc).

Davies, K. and Burt, S. 2007. Consumer cooperative and retail internationalization: problems and prospects, *International of Journal of Retail & Distribution Management*, 35(2): 22-45.

Dorenbosch, L., van Engen, M. L. and Verhagen, M. 2005. On-the-Job Innovation: The Impact

- of Job Design and Human Resource Management through Production Ownership, *Creativity and Innovation Management*, 14: 129-141.
- Espallardo, M., Lario, N. and Tantius, P. 2009. Farmers satisfaction and intention to continue as members of agricultural marketing cooperatives: a test of the neoclassical and transaction costs theories. Paper prepared for presentation at the 113<sup>th</sup> EAAE seminar a resilient European food industry and food chain in a challenging world, chaina, creece, date as in: September 3(6):1-11.
- Eylon, D. and Bamberger, P. 2000. Empowerment cognitions and empowerment acts, Recognizing the Importance of Gender. *Group and Organization Management*, 125(4): 354-372.
- Fairbairn, B. 2001. Social movements and cooperatives: implications for history and development. *Review of International Co-operation*, 24(35): 227-238.
- Harper, D. 2010. *The Critical factors for the success of cooperatives and other groups*. Washington DC, 5(2): 223-240.
- Hasegawa, S. 2001. Development cooperation. UNU GLOBAL Seminar kanazawa.
- ILO (International Labor Office). 2007. Cooperative branch issues fact sheets on how cooperative contribute to addressing ILO priority issues of work. Coop fact sheet, 1: 1-2.
- Klandermans, B., manuel sabucedo, J. Maura, R. and weerd, M. 2002. Identity processes in collective action participation: farmers identity farmers protedt in the Netherlands and Spain. *Political Psychology*, 2(3): 223-246.
- Mishra, A. and spreitzer, G. M. 1997. Survivor Responses To Downsizing: The Mitigating Effects Of Trust And Empowerment. southern California studies center.
- Phillips, D. R. and Rope, K. O. 2009. A Framework for talent management in real estate. *Journal of Corporate Real Estate*, 1 (11): 7-16.
- Richardson, D. 2006. The internal and rural and agricultural development, FAo: Rome, *Communication for Development*, 2(5): 123-142.
- Rifking, S. 2003. A Framework linking community empowerment and health equity: It is matter of CHOICE. *Journal of Health Population Nutrition*, 5(6): 168-180.
- Solving, N. 2007. Tolls For Empowerment In Local Risk Management, Department of Meida, University of Savenger.
- Spritzer, M. 1995. Psychological empowerment in work place, dimensions, measurement and validation, *The Academy Management Journal*, 5(38): 1442-1465.
- United Nations. 2007. Developing women's entrepreneurship and e-business in green cooperatives in the Asian and Pacific region. New York.

Wang, G. and Lee, P. 2009. Psychological empowerment and job satisfaction an analysis of interactive effects. *Group and organization management*, 3(6): 271- 296.

Whetten, D. A. and Cameron, S. C. 1998. *Developing management skills*; New York: Addison – Wesley, Wheelan.

xiangyuGuo, M .2010. Study on functions of the agriculture cooperative in food safety, *Agriculture and Agricultural Science Procedia*, 1(5): 477–482.

## The role of rural production cooperatives in promoting psychological empowerment of wheat farmers (Study case: west Islamabad)

Vakil Heidari Sarban<sup>1\*</sup> and Sohila Bakhtar<sup>2</sup>

Submitted: 23 January, 2017

Accepted: 11 December, 2017

### Abstract

Abstract: The present study is aimed to investigate the role of rural production cooperatives in promoting psychological empowerment of wheat farmers who are members in the production cooperatives in the city of west Islamabad. This study is practical in terms of purpose, and its entity is descriptive- analytical. The study population consisted of 1137 farmers which are member of the rural cooperatives in 11 villages of west Islamabad. The sample size is estimated to be 170 on the basis of Cochran formula. In order to compare the results, 170 wheat farmers who were not member in rural cooperatives were selected from the same villages. The method of data gathering is survey and the tool used in the study is a questionnaire. To determine the questions for the questionnaire, five indicators of psychological empowerment were used in the form of 35 items (i.e. self-determination, competence, worth, effectiveness and trust). The formal validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts. The study was conducted in the same area with the population of 30 and the questionnaire and the data were analyzed using the special formula of Cronbach's alpha in the SPSS software. The reliability of the questionnaire was 0.84. According to the results of data analysis, it was shown that, among the five indicators of psychological empowerment in this study and considering the average differences between the two groups of members and non-members, it was said that there is a positive and significant relationship between membership in the production cooperatives and psychological empowerment of wheat farmers. Thus, the average of the members is 4.35 and the average of non-member wheat farmers is 3.61. The results of independent t test indicate a significant difference between the two groups. It was found that rural production cooperatives are effective tools for psychological empowerment of wheat farmers and rural development. Membership in this cooperatives provides the necessary context for the initiative, competence and intellectual personality of the members.

**Keywords:** Rural Production Cooperative, Psychological Empowerment, Rural Development, Islam Abad Gharb County

---

1 - Associate Professor in Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2 - MSc Student of Geography and Rural Planning, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (\*-Corresponding author Email: vheidari56@gmail.com)

DOI: 10.22048/rdsj.2018.74005.1630